پرونده قتل نازگل یک قدم تا ایستگاه آخر

■ حسین فصیحی

فرمانده پلیس آگاهی استان اصفهان تأیید کرد بقایای جسد سوخته که ۱۸ فروردین‌ماه حوالی خانه پدربزرگ نازگل کشف شده، متعلق به همان کودک گمشده است. سرهنگ حسین ترکیان گفت برای اولین بار در اصفهان از پایش هوایی در یک پرونده جنایی استفاده شده است. وی همچنین عنوان کرد سگ‌های زنده‌یاب و جسدیاب خودروی حامل جسد را هم شناسایی کرده‌اند.

المیرا زارع، معروف به نازگل، دختربچه هفت ساله اهل روستای دهکرم اصفهان بود که ۱۸ اسفندماه سال گذشته به طرزی مرموز ناپدید شد. سرهنگ حسین ترکیان در توضیح آخرین جزئیات پرونده نازگل گفت: «۱۸ اسفندماه سال گذشته و همزمان با ناپدید شدن نازگل در روستای دهکرم اصفهان، تحقیقات پلیس در این باره به جریان افتاد و از همه توان پلیس استفاده شد.

وی ادامه داد: پلیس علاوه بر کمک گرفتن از سگ‌های زنده‌یاب هلال احمر، از عملیات فراجا برای پایش هوایی به وسیله هلیکوپتر در مناطق مورد نظر هم استفاده کرد که این برای اولین بار بود که در پرونده‌های جنایی اصفهان به کار گرفته شد.

■ جسد قطعاً متعلق به نازگل است

رئیس پلیس آگاهی اصفهان ادامه داد: تحقیقات پلیس در این باره نشان داد ماجرا در جریان اختلاف‌های مالی به واسطه یک ارثیه کلان مطرح است که مظنونان پرونده بازداشت شده‌اند. بعد از آن از ظرفیت سگ‌های جسدیاب فراجا استفاده شد و خودرویی که برای انتقال جسد از آن استفاده شده بود از طرف سگ‌ها شناسایی شد. سپس نمونه‌های بیولوژیک به دست آمد که برای تطبیق ارسال شده است.

سرهنگ ترکیان افزود: جسد از نظر پلیس قطعاً متعلق به نازگل است، اما به دلیل اینکه نتیجه دی‌ان‌ای هنوز حاصل نشده است منتظر گزارش نهایی هستیم تا نتیجه نهایی پرونده اعلام شود.

■ قتل دختربچه‌ها سریالی نبود

سرهنگ ترکیان درباره مطرح شدن قتل‌های سریالی کودکان بعد از قتل دیانا، دختر ۱۱ ساله مبتلا به اوتیسم هم گفت: قتل نازگل در اسفندماه سال گذشته و قتل دیانا اردیبهشت امسال اتفاق افتاد و اگرچه در فاصله زمانی کمی روی داد، اما این پرونده‌ها ربطی به یکدیگر ندارند. از همین‌رو رسانه‌ها با اطلاع‌رسانی درست باعث ترویج خشونت نشوند.

وی درباره انگیزه قتل دیانا هم گفت: دیانا مبتلا به اوتیسم بود که پدرش سوم اردیبهشت‌ماه گم شدنش را به پلیس اصفهان گزارش داد و گفت همسرش دیانا را از مدرسه به خانه برده، اما در بین راه کودک ناپدید شده است که مأموران متوجه تناقض‌گویی‌های زن جوان شدند و او به قتل دیانا اعتراف کرد و گفت از آنجا که شوهرش در مراقبت از دیانا کمک نمی‌کرد، طفل را با ضربات چاقو به قتل رسانده و جسد را با ریختن بنزین سوزانده است.

■ متهمان به قتل اعتراف نکرده‌اند

مهدی یوسفی‌شاتوری، وکیل خانواده نازگل هم می‌گوید: «موارد مطرح شده در پرونده فقط قرائن علیه برخی متهمان بازداشت شده است، ولی دلیل محسوب نمی‌شود و ممکن است ایراداتی مطرح و اشتباهاتی در اعلام‌نظرها وجود داشته باشد. از جمله اینکه یک‌بار آثاری در خودروی بستگان پدر نازگل کشف و بعد مشخص شد آن آثار متعلق به نازگل نیست یا اینکه در فاصله حدود ۲۰ روز از ناپدید شدن نازگل تا پیدا شدن جسد سوخته لباس‌های نازگل برای تشخیص سگ‌های زنده‌یاب با خودروی بستگان به اداره آگاهی حمل شد که دلیل بر حمل جسد با خودرو نمی‌باشد.»

وکیل پرونده: متهمان اقرار نکرده‌اند

یوسفی‌شاتوری درباره چرایی طرح جرم علیه برخی متهمان بازداشت شده هم می‌افزاید: «تاکنون متهمان بازداشت شده اتهام‌های وارد شده را نپذیرفته‌اند. با این حال با توجه به شناخت قبلی که از موکلینم در منطقه دارم، این حادثه از سوی آنها صورت نگرفته و فقط امارات و قرائن تا حدودی علیه برخی از موکلین مطرح است و ادامه بازداشت برخی از آنها تا زمانی که تحقیقات کامل‌تر و گزارش نهایی پزشکی قانونی اعلام شود؛ ممکن است ادامه داشته باشد.»

این وکیل دادگستری با بیان اینکه تمرکز پلیس بنا به امارات مطرح در پرونده روی مظنونان بازداشت شده است، می‌گوید: «اگر ارتکاب جرم از سوی متهمان بازداشت شده صورت نگرفته باشد به دلیل از بین رفتن آثار جرم ممکن است مقامات به نتیجه‌ای نرسند، چراکه مدارک کهنه شده و آثاری از جرم باقی نمانده است که بشود قاتل واقعی و انگیزه مجرمانه را شناسایی کرد.»

یوسفی‌شاتوری با تأکید بر دنبال کردن اخبار از رسانه‌های رسمی بیان می‌کند: «بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی و مردم بدون هیچگونه دلیلی اتهام‌هایی را به افراد بازداشت شده نسبت می‌دهند یا پا را فراتر می‌گذارند و اقدام به صدور رأی نهایی می‌کنند که دامن زدن به موضوعات مطرح شده نه تنها باعث ایجاد خلل در روند رسیدگی خواهد شد، بلکه باعث از دست رفتن حیثیت خانواده نازگل نیز می‌شود.»

■ شروع ماجرا

المیرا زارع، معروف به نازگل، ۱۸ اسفندماه سال گذشته در روستای دهکرم اصفهان ناپدید شد. با وجود اینکه تلاش‌های پلیس و مردمی در این باره به جریان افتاد، اما اثری از نازگل پیدا نشد تا اینکه یک ماه بعد از حادثه اولین سرنخ به دست پلیس افتاد. ۱۸ فروردین‌ماه بود که خبر رسید سگ‌های جسدیاب، جسدی را که در چند قدمی محل ناپدید شدن نازگل در حال سوختن بود، کشف کرده‌اند. بعد از آن بقایای جسد به پزشکی قانونی منتقل و کارآگاهان پلیس چهار مظنون را بازداشت کردند. مادر نازگل، پدربزرگ و دو دایی او به اتهام قتل دستگیر و تحقیقات برای رمزگشایی از پرونده به جریان افتاد. از آنجا که بافت‌های بقایای جسد دچار سوختگی شدید شده بود، اعلام‌نظر قطعی درباره کشف هویت جسد به زمان زیادی نیاز داشت. با این حال پلیس در حال حاضر تأیید کرده که جسد سوخته متعلق به نازگل است. در صورتی که همه یا بعضی از افراد بازداشت شده در جریان حادثه نقش داشته باشند، انگیزه مجرمانه، چگونگی وقوع حادثه و چرایی سوزاندن جسد از پرسش‌های مطرح شده است که ۶۹ روز پس از گم شدن نازگل همچنان در فضای عمومی جامعه مطرح است.

انتقام خواستگار میانسال را تا یک قدمی مرگ برد

■ غلامرضا مسکنی

دختر جوانی که خواستگار میانسال پولدارش را برای سرقت اموالش با طراحی نقشه‌ای تا یک قدمی مرگ کشانده بود پس از دستگیری ادعا کرد مرد سرمایه‌دار قصد سوءاستفاده از او را داشته است.

اواخر زمستان سال گذشته به مأموران پلیس تهران خبر رسید رهگذرانی در یکی از خیابان‌های شمالی شهر پیکر نیمه‌جان و بیهوش مرد میانسالی را برای درمان به بیمارستان منتقل کرده‌اند.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران راهی بیمارستان و در قسمت مراقبت‌های ویژه با پیکر مرد ۶۰ ساله‌ای به نام کیوان روبه‌رو شدند که به گفته پزشکان بر اثر مسمومیت دارویی به کما رفته بود.

■ ۲ روز بعد

بررسی‌ها نشان داد ساعتی قبل رهگذرانی کنار یک خیابان متوجه مردی می‌شوند که روی زمین افتاده و از دهانش کف بیرون زده است. رهگذران که احتمال می‌دهند مرد میانسال جانش را از دست داده به سرعت با اورژانس تماس می‌گیرند و پس از حضور عوامل اورژانس مشخص می‌شود وی زنده است، اما به دلایلی به کما رفته و او را برای درمان به بیمارستان منتقل می‌کنند.

در حالی که مرد ۶۰ ساله روی تخت بیمارستان با مرگ دست و پنجه نرم می‌کرد، مأموران پلیس خانواده او را شناسایی کردند و دریافتند کیوان مرد سرمایه‌داری است که تنها زندگی می‌کرده و روز حادثه هم با خودروی مدل بالای خارجی‌اش از دفتر محل کارش بیرون آمده تا اینکه چند ساعت بعد پیکرنیمه جانش در خیابان کشف می‌شود.

تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت و دو روز بعد مأموران پلیس باخبر شدند کیوان از یک قدمی مرگ به زندگی برگشته و به‌هوش آمده است.

■ معرفی برای ازدواج

بدین ترتیب مأموران دوباره به بیمارستان رفتند و از وی درباره ماجرایی که برای او رخ داده بود، تحقیق کردند. کیوان در ادعایی گفت: «من سرمایه‌دار هستم و دفتر کارم در یکی از خیابان‌های شمالی شهر است و تعدادی هم کارمند دارم. از آنجایی که تنها زندگی می‌کنم، تصمیم داشتم ازدواج کنم و همدمی داشته باشم. مدتی قبل یکی از بستگان نزدیکم دختر جوانی به نام سونیا را برای ازدواج به من معرفی کرد. سونیا یک سال قبل با پسر جوانی ازدواج کرده بود، اما به‌خاطر اختلافی که با هم داشتند قبل از مراسم عروسی از هم جدا شدند. وقتی او را برای ازدواج به من معرفی کردند قبول کردم، چون فکر می‌کردم وضع مالی‌ام خوب است و می‌توانم دختر جوان را خوشبخت کنم.»

■ خواستگاری مسموم

وی ادامه داد: «یکی، دو بار من و سونیا یکدیگر را دیدیم و حتی من او را شام به رستوان دعوت کردم و با هم درباره زندگی و آینده‌مان صحبت کردیم. از او خوشم آمد و سونیا هم مدعی بود دوست دارد با من ازدواج کند. خوشحال بودم که پس از سال‌ها همدمی پیدا کرده‌ام و از تنهایی رهایی می‌یابم. حتی درباره سفرهای خارجی و ماه عسل هم ما با هم صحبت کردیم و تمامی قرار و مدارها را هم گذاشتیم. سونیا با خانواده‌اش صحبت کرده بود و آنها هم موافقت کرده بودند و از اینکه دخترشان شوهر پولداری پیدا کرده بود، خوشحال بودند. روز حادثه برای آخرین بار با هم قرار گذاشتیم تا حرف‌های آخر را با هم بزنیم و درباره میهمان‌ها هم تصمیم بگیریم. قرارمان در یک رستوران بود. ما با هم شام خوردیم و صحبت کردیم. پس از خوردن شام او یک بطری دوغ هم برداشت و دو نفری از رستوران خارج شدیم و با خودروی من به راه افتادیم. در میانه راه او سر بطری دوغ را باز کرد و یک لیوان دوغ به من داد و بقیه‌اش را هم قرار بود خودش بخورد. لیوان دوغ را نوشیدم، اما دقایقی بعد دیگر چیزی نفهمیدم تا اینکه در بیمارستان به‌هوش آمدم. تازه الان متوجه شدم سونیا مرا مسموم کرده و خودروی گرانقیمتم، دو دستگاه تلفن همراهم، پول‌های توجیبی و کارت عابربانکم را که مقدار زیادی پول در حسابم بود، سرقت کرده است.»

■ خرید طلا با کارت سرقتی

با شکایت مرد پولدار، پرونده به دستور قاضی کوشکی، بازپرس شعبه هشتم دادسرای ویژه سرقت برای بررسی و شناسایی سارق در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

مأموران پلیس در بررسی‌های فنی فهمیدند سونیا پس از حادثه محل زندگی‌اش را تغییر داده و به مکان نامعلومی گریخته است. همچنین مشخص شد دختر جوان روز بعد از حادثه با کارت بانکی شاکی به چند مغازه طلافروشی رفته و در چند نوبت مقدار زیادی طلا خریده و دو گوشی همرا مرد پولدار را هم فروخته است. مأموران در گام بعدی سونیا را تحت تعقیب و شماره پلاک خودروی شاکی را نیز در اختیار تمامی گشت‌های پلیس قرار دادند.

■ انتقام گرفتم

تحقیقات برای دستگیری متهم ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل پس از گذشت چند ماه از حادثه، مأموران به خودروی مدل بالایی که زنی جوان راننده آن بود، مشکوک شدند. وقتی مأموران از مرکز استعلام گرفتند، متوجه شدند خودرو سرقتی است و چند ماه قبل صاحب آن از زن جوانی به اتهام سرقت خودرویش شکایت کرده است. بدین ترتیب مأموران خودرو را متوقف و راننده آن را بازداشت کردند که مشخص شد زن جوان، سونیا متهم فراری است که چند ماهی است تحت تعقیب پلیس قرار دارد.

وی پس از انتقال به اداره پلیس به جرم خود اقرار کرد و در ادعایی گفت: «چند سال قبل با پسر جوانی آشنا شدم و ازدواج کردم، اما ازدواج ناموفقی داشتم و پس از مدتی هم جدا شدم. من تنها زندگی می‌کردم تا اینکه یکی از دوستانم مرد پولداری به نام کیوان را برای ازدواج به من معرفی کرد. وقتی با او آشنا شدم، قبول کردم چون وضع مالی خوبی داشت و فکر می‌کردم مرا خوشبخت می‌کند، اما مدتی بعد متوجه شدم او قصد ازدواج ندارد و می‌خواهد از من سوءاستفاده کند. وقتی به نیت شوم او پی بردم، خیلی عصبانی شدم و تصمیم گرفتم از کیوان انتقام بگیرم. به همین دلیل روز حادثه با او قرار گذاشتم تا با هم صحبت کنیم. من نقشه را از قبل طراحی کرده بودم و برای اجرای آن چند قرص بیهوشی هم خریده بودم. پس از اینکه با هم شام خوردیم به صورت پنهانی چند عدد قرص را داخل بطری دوغ حل و داخل خیابان به او تعارف کردم. کیوان دوغ مسموم را خورد و بیهوش شد، به‌طوری که حالش پشت فرمان به‌هم خورد و خودرویش به تیر برقی برخورد کرد. آن لحظه به سرعت او را به صندلی کناری کشاندم و خودم پشت فرمان نشستم و شروع به رانندگی کردم و بعد از طی مسافتی، او را از داخل خودرو به پایین انداختم و اموالش را سرقت کردم. سپس برای اینکه گرفتار پلیس نشوم محل زندگی‌ام را تغییر دادم.»

متهم پس از اعتراف به دستور بازپرس پرونده برای تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پلیس قرار گرفت.

دستگیری دزدی که به ۱۰۰ خودرو دستبرد زده بود

رئیس پلیس آگاهی پایتخت از دستگیری سارق حرفه‌ای محتویات داخل خودرو در شمال تهران خبر داد.

سردار علی ولیپورگودرزی گفت: با وقوع سرقت‌های سریالی محتویات داخل خودرو در شمال تهران، موضوع رسیدگی به پرونده در دستور کار کارآگاهان پایگاه یکم پلیس آگاهی قرار گرفت.

وی افزود: یکی از مالباختگان در طرح شکایت خود گفت که خودروی پژو ۲۰۶ خود را در خیابان ولیعصر، تقاطع خیابان‌های طوسی و ستاره پارک کرده بود، اما هنگامی که بازگشته، دیده که شیشه‌های خودرو شکسته و یک دستگاه گوشی آیفون به ارزش ۸۰ میلیون تومان هم به سرقت رفته است.

رئیس پلیس آگاهی پایتخت ادامه داد: تحقیقات ابتدایی کارآگاهان نشان داد، یک مرد جوان در ساعات پایانی شب در خیابان‌های شمال تهران و به‌خصوص تقاطع خیابان‌های طوسی و ستاره گشت می‌زده و پس از شناسایی خودروهای شهروندان و شکستن شیشه آنها، اقدام به سرقت محتویات داخل خودرو می‌کرده است.

وی افزود: کارآگاهان در نخستین گام با بهره‌گیری از شیوه‌های کشف نوین جرم و اقدامات اطلاعاتی هویت و مخفیگاه متهم را در جنوب تهران شناسایی کردند و پی بردند او در پایگاه‌های سوم و چهارم پلیس آگاهی سابقه دارد. این مقام ارشد انتظامی با بیان اینکه متهم حرفه‌ای بوده و با یک خودروی پژو ۴۰۵ دست به سرقت می‌زده، عنوان کرد: کارآگاهان پس از دریافت این اطلاعات مهم با هماهنگی‌های لازم با مرجع قضائی راهی مخفیگاه متهم شدند و وی را دستگیر کردند.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ خاطرنشان کرد: متهم پس از انتقال به پایگاه یکم پلیس آگاهی ابتدا منکر جرم خود بود، اما پس از مشاهده شواهد و مدارک موجود از سوی کارآگاهان به جرم خود مبنی بر ۱۰۰ فقره سرقت محتویات داخل خودرو و سه فقره خودرو اعتراف کرد و مدعی شد با استفاده از خودروی پژو ۴۰۵ خود به صورت انفرادی حدوداً ۱۰۰ فقره سرقت لوازم خودرو مرتکب شده و گوشی‌های موبایل مسروقه را به مرد جوانی می‌فروخته است.

وی با بیان اینکه مالخر تلفن‌های همراه نیز در یک پاساژ تجاری دستگیر شده است، گفت: با صدور قرار قانونی از سوی مرجع قضائی، متهم برای کشف جرائم احتمالی و شناسایی سایر مالباختگان در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

مهار آتش‌سوزی در سوله بزرگ

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران از وقوع آتش‌سوزی یک سوله کارگاهی در محله سیزده آبان خبر داد.

جلال ملکی گفت: ساعت ۹:۵۵ صبح دیروز، یک مورد حادثه آتش‌سوزی در یک کارگاه تولیدی و انبار به آدرس محله سیزده آبان، کوچه نوبهار به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد. وی با بیان اینکه خیلی زود چهار ایستگاه به همراه خودروی حامل تجهیزات تنفسی و تانکر آب به محل حادثه اعزام شدند، افزود: آتش‌نشانان پس از حضور در محل مشاهده کردند حریق در یک محوطه کارگاهی که چند سوله در کنار هم قرار داشتند، رخ داده است.

ملکی گفت: کانون حریق، انباری در حدود ۱۰۰ مترمربع بود که در یکی از سوله‌ها به مساحت تقریبی هزار مترمربع قرار داشت. این انبار محل نگهداری تابلوهای الکتریکی و برقی بود و با توجه به مواد موجود در آن دود بسیاری زیادی از حریق آن ناشی و به آسمان بلند شده بود.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی گفت: آتش از برخی روزنه‌ها وارد این سوله بزرگ شده و اتاقک کارگری را کاملاً سوزانده بود، اما خوشبختانه کسی در این اتاقک گرفتار نشده بود. همچنین آتش در حال سرایت به طبقه پایینی سوله بود که در این قسمت دستگاه‌های کارگاهی بسیار گرانقیمتی قرار داشت.

وی ادامه داد: سقف‌های این سوله نیز شیروانی بود و ایزوگام داشت که به شدت شعله‌ور شده بودند. آتش‌نشانان در این شرایط عملیات اطفای حریق را از چند طرف آغاز کردند و خیلی سریع آتش تحت کنترل درآمد.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران ادامه داد: خوشبختانه این حادثه مورد فوتی یا مصدوم نداشت.

کشف ۳ کیلو شیشه از هندوانه‌های اهدایی

مأموران یگان حفاظت زندان از بار اهدایی هندوانه یکی از زندانیان اردوگاه کاردرمانی اصفهان ۳ کیلو شیشه کشف کردند.

سردار رضا بنی‌اسدی، فرمانده یگان‌های انتظامی و حفاظتی فراجا گفت: یکی از زندانیان اردوگاه حرفه‌آموزی و کاردرمانی زندان اصفهان که در مرخصی بود، سه تن هندوانه برای مصرف زندانیان اهدا کرد که در زمان تخلیه بار هندوانه در انبار اردوگاه، مأموران متوجه برش هندوانه‌ای شدند که با چسب چسبانده شده بود که بعد از شکافتن هندوانه از داخل آن ۳ کیلوگرم موادمخدر از نوع شیشه کشف کردند. بعد از آن بود که راننده به اتهام اقدام در ورود موادمخدر به زندان دستگیر و متهم اصلی هم شناسایی و بازداشت شد.

پس‌گردنی خونین در پارک پرندگان

■ آرمین بینا

پسر جوانی که در نزاع دسته‌جمعی به یکی از طرف‌های مقابل پس‌گردنی زده بود با ضربه چاقو به قتل رسید.

ساعت ۲۰ شامگاه سه‌شنبه ۲۵ اردیبهشت‌ماه، مأموران پلیس تهران به قاضی سالار صنعتگر، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران تلفنی خبر دادند پسر جوان زخمی پس از انتقال به بیمارستان الغدیر در شرق تهران به کام مرگ رفته است. یکی از مأموران کلانتری ۱۳۶ فرجام گفت: پسر جوان ساعتی قبل در درگیری با چند پسر جوان دیگر، زخمی و پس از انتقال به بیمارستان فوت کرده است.

با اعلام این خبر، بازپرس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی برای تحقیق به بیمارستان رفتند. تیم جنایی در بیمارستان با جسد پسر جوانی به نام پرهام روبه‌رو شد که با ضربه چاقو به قتل رسیده بود.

■ پس‌گردنی

بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد مقتول همراه دو نفر از دوستانش داخل پارک پرندگان نشسته بوده که پنج پسر جوان وارد پارک و با هم درگیر می‌شوند. در جریان این درگیری، یکی از طرف‌های مقابل با چاقو وی را در ورودی پارک به قتل می‌رساند و سپس همه از محل فرار می‌کنند.

پس از این، پسر جوان برای درمان به بیمارستان منتقل می‌شود، اما بر اثر شدت خونریزی به کام مرگ می‌رود.

یکی از دوستان مقتول درباره حادثه گفت: «من، مقتول و یکی از دوستان مشترکمان در پارک پرندگان بودیم که پنج پسر جوان به ما نزدیک شدند. ما با هم چشم در چشم شدیم و همین موضوع باعث مشاجره لفظی ما شد. درگیری ما به در ورودی پارک کشیده شد و در آنجا مقتول پس‌گردنی به یکی از آنها زد که درگیری بالا گرفت. همه با هم درگیر شده بودیم که ناگهان دیدیم پرهام خونین روی زمین افتاد. آنها با دیدن این صحنه به سرعت با خودروی پژو پارسی که داشتند از محل گریختند.»

■ بازداشت

از سوی دیگر مشخص شد مأموران پلیس بعد از اینکه در جریان این حادثه خونین قرار می‌گیرند با طرح مهار خیابان‌ها عاملان قتل را داخل خودرویشان شناسایی و آنها را بازداشت می‌کنند. همچنین مأموران چاقوی خونین را که مقتول با ضربه آن به قتل رسیده بود داخل خودروی متهمان کشف می‌کنند.

بدین ترتیب همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، جسد برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد و متهمان برای تحقیق در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

صبح دیروز پنج متهم به دادسرای امور جنایی منتقل شدند و همه در بازجویی‌ها ادعا کردند نمی‌دانند چه کسی از آنها مرتکب قتل شده است.

یکی از متهمان گفت: «ما برای تفریح به پارک رفته بودیم که با آن سه پسر درگیر شدیم. مقتول به یکی از ما پس‌گردنی زد و درگیری ما بالا گرفت، اما در جریان درگیری متوجه نشدم چه کسی با چاقو او را زد.»

در حالی که شاهدان عینی یکی از متهمان را به عنوان قاتل معرفی کرده بودند، بازپرس جنایی دو نفر از متهمان را به خاطر اینکه سن آنها زیر ۱۸ سال است در اختیار دادسرای ویژه اطفال و نوجوانان قرار داد و سه متهم دیگر را برای بازجویی و روشن شدن زوایای پنهان حادثه در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی گذاشت.

پیدا شدن دختر دانشجو در خانه مرد فریبکار

مرد فریبکار که دختر دانشجو را به بهانه ازدواج فریب داده بود، بازداشت شد.

سردار علی ولیپورگودرزی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت گفت: چندی قبل زنی وارد اداره چهارم پلیس آگاهی شد و گفت: من اهل شهرستان هستم و دخترم دانشجوی یکی از دانشگاه‌های تهران است و شب‌ها در خوابگاه می‌ماند، اما چند روزی است که از او خبر نداریم و هرچه با تلفن همراهش تماس می‌گیریم گوشی‌اش خاموش است. نگران هستیم که مبادا برایش اتفاقی افتاده باشد.

شاکی ادامه داد: بعد از اینکه دخترم به تماس‌ها جواب نداد راهی خوابگاهش شدم که دوستانش گفتند آخرین بار برای رفتن به دانشگاه خوابگاه را ترک کرده و دیگر برنگشته است و کسی هم از او خبری ندارد.

بعد از مطرح شدن این شکایت، کارآگاهان پلیس در جریان تحقیقات میدانی و بررسی دوربین‌های مداربسته اطراف خوابگاه متوجه شدند او آخرین بار همراه مردی با موهای بور از محل دور شده است. در شاخه دیگری از تحقیقات، کارآگاهان پلیس موفق شدند مرد جوان را شناسایی و او را بازداشت کنند. مأموران پلیس همچنین دختر گمشده را هم در خانه متهم پیدا و به خانواده‌اش تحویل دادند. متهم در بازجویی‌ها گفت، با وعده ازدواج دختر جوان را فریب داده است که تحقیقات از متهم بازداشت شده جریان دارد.